

فرض‌ها و معیارهای ایرانیان درباره ازدواج و روابط زناشویی: تحلیل کیفی ضرب‌المثل‌های ایرانی

Iranian's Assumptions and Standards about Marriage and Marital Relationships: Qualitative Analysis of Iranian Proverbs

<https://dx.doi.org/10.29252/jfr.16.3.1>

M. Cheraghi, Ph.D.

Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

M. Ebrahimi, M. A.

Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

✉ **دکتر مونا چراغی**

گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

مریم ابراهیمی

پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۸/۶/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۹/۶/۲۲

پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۲۳

Abstract

Assumptions and standards play a significant role in determining the marital satisfaction of spouses, and both are influenced by culture. Family experts need to be aware of the cultural impact on their clients' cognitions to understand them better and provide better services. The study of proverbs in any language can provide a fairly accurate picture of the attitudes and

چکیده

فرض‌ها و معیارها در تعیین رضایت همسران از زندگی زناشویی نقش مهمی دارند و هر دو تحت تأثیر فرهنگ هستند. لازم است متخصصان خانواده، برای درک بهتر مراجعان و ارائه خدمات بهتر، از تأثیرات فرهنگ بر شناخت‌های آن‌ها مطلع باشند. مطالعه ضرب‌المثل‌ها در هر زبان می‌تواند تصویر نسبتاً دقیقی از نگرش‌ها و اعتقادات افراد متعلق به آن بافت فرهنگی نسبت به موضوعات مختلف ارائه کند.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, University of Shahid Beheshti, Tehran Iran.
Email: m_cheraghi@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی
پست الکترونیکی: m_cheraghi@sbu.ac.ir

beliefs of people belonging to that cultural context in regards to different subjects. Therefore, in this research, extracting all Iranian proverbs with related keywords (wife, husband, spouse, and marriage) and their thematic analysis, we tried to infer the assumptions and standards related to the role of woman, husband and marital relationship. The three main themes and a core theme were inferred. According to the results, existing standards for women are more numerous and rigorous than standards for men in marriage. Marital relationship is also portrayed as a very important, predestined, relationship with numerous conflicts which are frequent, inevitable and insurmountable. That makes it appear bitter and frustrating in the long term. The interpreted standards show that couple are expected to play complementary roles in marriage and men have dominance over women.

Keywords: Culture, Standard, Assumptions, Marital Relationship, Proverb.

بنابراین در این پژوهش با استخراج کلیه ضرب‌المثل‌های ایرانی دارای کلیدواژه‌های مرتبط (زن، شوهر، همسر، ازدواج) و تحلیل تماتیک آن‌ها سعی شد که فرض‌ها و معیارهای مربوط به نقش‌های زن، شوهر و رابطه زناشویی استخراج شود.

سه مضمون اصلی و یک مضمون کلی استخراج شد. بر اساس نتایج، معیارهای موجود برای زنان هنگام ازدواج متعددتر و سخت‌گیرانه‌تر از معیارهای مربوط به شوهران است. رابطه زناشویی نیز به عنوان یک رابطه بسیار مهم، مقدر و پرتعارض به تصویر کشیده شده که در آن تعارضات مکرر و و اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل حل وجود دارد که در معیارهای استخراج‌شده نشان می‌دهد که در زندگی زناشویی از زن و شوهر انتظار می‌رود نقش‌های مکمل هم را ایفا می‌کنند و مردان بر زنان سلطه داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، معیار، فرض، رابطه زناشویی، ضرب‌المثل.

مقدمه

ازدواج با وجود آن که سنتی جهان‌شمول است، تحت تأثیر فرهنگ است. به این معنی که در هر فرهنگ معیارها و عوامل مؤثر بر کیفیت آن متفاوت است. تعاریفی که مردمان متعلق به هر فرهنگ از ازدواج، نقش‌های همسران و ویژگی‌های مطلوب منتسب به هر یک از این موارد دارند، می‌تواند ارزیابی آن‌ها از رابطه زناشویی و به تبع آن رضایت آن‌ها را از رابطه زناشویی تحت تأثیر قرار دهد (پفیفر، میلر، لی و هسیائو^۱، ۲۰۱۳). بنابراین پیش از ارائه هرگونه مداخلات پیشگیرانه یا درمانی برای افراد متعلق به هر بافت فرهنگی، لازم است که ابتدا ویژگی‌های فرهنگی متعلق به آن را شناخت و بر اساس نگرش آن‌ها، آموزش‌ها و مداخلات لازم را طراحی کرد.

از منظر روان‌شناختی یکی از مسیرهایی که عوامل فرهنگی از طریق آن می‌توانند بر ازدواج و کیفیت روابط زوجین اثر بگذارند، شناخت‌ها^۲ هستند. منظور از شناخت کلیه اشکال دانش و آگاهی است که شامل درک، ادراک، استدلال، قضاوت، تصور و حل مسئله است (فرهنگ لغت انجمن روان‌شناسی آمریکا^۳). فرهنگ در ایجاد، شکل‌دهی و حفظ شناخت‌ها و فرایندهای شناختی نقش مهمی ایفا می‌کند (دود^۴، ۲۰۰۳: ۱۱). با توجه به آن که فرهنگ، تعریف افراد از عقلانیت، رفتار سازگاران در موقعیت‌های مختلف و شیوه ابراز هیجانات

را تعیین می‌کند، چندان عجیب نیست که بر نگرش افراد نسبت به ازدواج، ویژگی‌های همسر مناسب و شیوه‌های مقابله سازگاران در چالش‌های پیش‌آمده در مسیر ازدواج مؤثر باشد. بدین ترتیب فرهنگ به شکل پربرنگی بر شکل‌گیری معیارهای^۵ افراد نسبت به زندگی مشترک و خانواده اثر می‌گذارد (وند و ویجور، ۲۰۰۷). معیارها مجموعه‌ای از باورها هستند که تعیین می‌کنند دیگران یا روابط باید چگونه باشند. افراد از معیارها برای ارزیابی موضوعات استفاده می‌کنند. بدین ترتیب وقتی ویژگی‌های موقعیت یا فرد با معیارهای شخصی هم‌خوان نباشد، نارضایتی بروز پیدا می‌کند و برعکس (باکوم، اپستین و لاتیلا^۶، ۲۰۰۲). معیارها معمولاً در سال‌های اولیه رشد و در جریان تجربیات اولیه افراد در بافت خانوادگی و فرهنگی شکل می‌گیرند (گاردنر، بازی، بور و لیون^۸، ۲۰۱۱). هم‌چنین فرهنگ می‌تواند بر شکل‌گیری فرض‌ها^۹ تأثیر زیادی بگذارد (چیا، مور، لام، چوانگ و چنگ^{۱۰}، ۱۹۹۴). فرض‌ها باورهای افراد درباره خصوصیات دیگران و روابط هستند. به عنوان مثال فرض‌هایی که افراد درباره جنسیت‌ها دارند، حاکی از آن است که آن‌ها چه ویژگی‌های نسبتاً ثابتی را به زنان و مردان نسبت می‌دهند. در حالی که فرض‌ها مربوط به وضعیت نسبتاً ثابت حال حاضر یک فرد یا موضوع است، معیار به وضعیت بهینه و قابل قبولی که باید وجود داشته باشد، اشاره دارد. می‌توان انتظار داشت که هرچه بین فرض‌ها و معیارهای همسران نسبت به یکدیگر یا رابطه زناشویی‌شان نزدیکی بیشتری وجود داشته باشد، رضایت آن‌ها بیشتر خواهد بود و برعکس (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲).

با توجه به این‌که فرهنگ نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری نظام شناختی افراد داراست و نظام شناختی افراد تعیین‌کننده هیجانات و رفتارهای آن‌هاست (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲)، لازم است که برای درک بهتر افراد، تأثیرات فرهنگ پیرامون آنان را مورد بررسی قرار داد. شاید بتوان این حیطة را نقطه اتصال بین رشته‌های روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی ادبیات دانست. در اینجا سؤالاتی به ذهن خطور می‌کند: ایرانیان درباره ازدواج و زندگی زناشویی چه باورهایی از بافت فرهنگی‌شان دریافت کرده‌اند؟ از چه طریقی می‌توان این شناخت‌های تحت تأثیر فرهنگ را مورد شناسایی قرار داد؟

یکی از مهم‌ترین منابع برای پاسخ به سؤالات فوق بررسی فرهنگ عامه^{۱۱} است. فرهنگ عامه یکی از جلوه‌ها و عناصر سازنده فرهنگ است که خود شامل مجموعه عظیمی از ترانه‌ها، لایه‌ها، اساطیر، داستان‌ها، متل‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌هاست که در هر قوم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و نشان‌دهنده باورها، آداب، رسوم، تخیلات و سبک زندگی افراد متعلق به آن فرهنگ است (ذوالفقاری^{۱۲}، ۱۳۹۲: ۹). در بین موارد مذکور ضرب‌المثل‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه بسیار مهم هستند. مثل‌ها نشانگر کنش و واکنش افراد جامعه هستند که در قالب عبارات مختصر و روانی ریخته می‌شوند و در نقد و تنظیم رفتار اجتماعی و فرهنگی افراد نقش مهمی دارند. بدین ترتیب که مثل‌ها به شکل خلاصه و موجز بیان‌کننده خرد و حکمت مشترک عموم است. بنابراین آن‌ها یکی از ابزارهای مهم برای انتقال تجارب زیسته اعضای جامعه هستند که مردم طی نسل‌ها به مفهوم آن‌ها پی برده‌اند و آن‌ها را به یکدیگر نقل کرده‌اند (امین‌اللهی^{۱۳}، ۱۳۸۰). مثل‌ها جملاتی نسبتاً کوتاه، آهنگین، حاوی آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی هستند که با وجود ایجاز، به سهولت مفاهیم قابل توجهی را به ذهن شنونده منتقل می‌کنند (انوری^{۱۴}، ۱۳۸۴: ۱۱). از آنجا که ضرب‌المثل‌ها نمایانگر هنجارها و ارزش‌های جامعه و مورد پذیرش اعضای جامعه هستند، حتی بیشتر از ادبیات مکتوب منعکس‌کننده تفکرات مردم هستند. اشعار و ادبیات

مکتوب، غالباً منتسب به نویسندگان خاصی هستند. در حالی که ضرب‌المثل‌ها با توجه به آن‌که از بطن جامعه برخاسته‌اند، نمایانگر تصویر واقعی‌تری از جامعه و تاریخ آن هستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶). ضرب‌المثل‌ها به دلیل کارکردهای مهمی که در زندگی مردمان آن سرزمین ایفا کرده‌اند، در گذر زمان در افکار و گفتار مردم باقی مانده و ماندگار شده‌اند. معمولاً مبدع ضرب‌المثل‌ها یا خاستگاه آن‌ها چندان معلوم نیست. صاحب‌نظران حوزه فرهنگ نیز بیشتر درصدد مطالعه بافت استفاده از آن‌ها و کیفیت تأثیر آن بر مخاطبان بوده‌اند (میدر^{۱۵}، ۲۰۰۸: ۲۷). به همین دلیل مطالعه آن‌ها می‌تواند تصویر قابل اعتمادی از نگرش‌ها و اعتقادات افراد متعلق به آن فرهنگ نسبت به موضوعات مختلف ارائه کند (لی^{۱۶}، ۲۰۱۵). بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که با مطالعه ضرب‌المثل‌های مربوط به ازدواج و رابطه زناشویی، فرض‌ها و معیارهای مردم عامه را نسبت به این موضوعات استخراج کرد.

نگاهی به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که پژوهشی که با نگاهی روان‌شناختی به بررسی ازدواج و نقش‌های زن، شوهر و کیفیت رابطه زناشویی در مستندات فرهنگی ایرانی بالاخص ضرب‌المثل‌ها پرداخته باشد، انجام نشده است. برخی تحقیقات مرتبط به بررسی تصویر جنسیت‌های مختلف در ضرب‌المثل‌ها و ادبیات ایرانی پرداخته‌اند. البته باید توجه داشت که موضوعات پژوهش‌هایی از این دست با موضوع پژوهش حاضر که به دنبال فرض‌ها و معیارهای وابسته به فرهنگ در ضرب‌المثل‌های ایرانی است، متفاوت است. اما از آنجا که نتایج پژوهش‌های مذکور می‌تواند تا حدی بیانگر معیارها و فرض‌های مربوط به دو جنس و تا حدی مرتبط با پژوهش حاضر باشد، در این بخش به شکل مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

برخی از پژوهش‌های پیشین به بررسی تصویر زن در ضرب‌المثل‌ها (حجازی^{۱۷}، ۱۳۸۵) و ادبیات ایرانی (حسینی^{۱۸}، ۱۳۸۷؛ یزدانی^{۱۹}، ۱۳۷۸)، یا مقایسه تصویر زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی و سایر زبان‌ها (امین‌الرعیای، شریفی و الیاسی^{۲۰}، ۱۳۹۳؛ صادقی‌منش، علوی‌مقدم و استاجی^{۲۱}، ۱۳۹۸؛ قاضی‌خانی، اکبری و غنی‌زاده^{۲۲}، ۱۳۹۶) و مقایسه مفهوم خانواده در ضرب‌المثل‌های فارسی و سایر زبان‌ها (چیدری^{۲۳}، ۱۳۹۳) پرداخته‌اند. هم‌چنین مقایسه تصویر زنان و مردان در ضرب‌المثل‌های ایرانی مورد پژوهش قرار گرفته است (شاملو^{۲۴}، ۱۳۸۷). به شکل اجمالی نتایج پژوهش‌های مذکور بیانگر آن بوده‌اند که زنان و مردان با ویژگی‌های شخصیتی بسیار متفاوت و مکمل در ادبیات و ضرب‌المثل‌های ایرانی به تصویر کشیده می‌شوند. هم‌چنین نتایج حاکی از غلبه فرهنگ مردسالاری و بالاتر دانستن مردان بر زنان از نظر توانمندی‌های جسمانی، عقلانی و اجتماعی است. در پژوهش چیدری (۱۳۹۳) علاوه بر نتایج ذکر شده به مفاهیمی چون اهمیت فرزندآوری برای زنان، ضرورت ازدواج، قبح طلاق و ازدواج مجدد برای زن، تقابل خویشاوندان سببی و اهمیت خویشاوندان نسبی نیز که نشان‌دهنده اهمیت خانواده گسترده در فرهنگ ایرانی است، اشاره شده است. در این میان برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی آداب و رسوم ازدواج در ادبیات فارسی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه سنجرى^{۲۵} (۱۳۹۴) به تحلیل ازدواج‌های روایت‌شده در شاهنامه پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که در شاهنامه تشکیل ازدواج و خانواده خارج از اصول پدرسالاری صورت می‌گرفته و در اصل سامان‌دهندگان امور اجتماعی خانواده بیشتر زنان بوده‌اند، نه مردان. البته تصویر ارائه‌شده از زنان و تأثیرات آن‌ها در پژوهش سنجرى (۱۳۹۴) با تصویری که از زنان در ضرب‌المثل‌های ایرانی به عنوان افرادی ضعیف،

دمدمی مزاج، دهان‌بین، نادان و البته گاهی دارای وجهی کاملاً متناقض و معنوی گزارش شده است (حجازی، ۱۳۸۵)، به کلی متفاوت است.

بدین ترتیب پژوهش حاضر درصدد است که از طریق مطالعه ضرب‌المثل‌های ایرانی، به بررسی مفهوم ازدواج، فرض‌ها و معیارهای موجود درباره ازدواج، رابطه زناشویی و نقش‌های زن و شوهر در فرهنگ ایرانی بپردازد. امید است که نتایج این پژوهش در زمینه تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلاتی در حوزه زوج و خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش کتابخانه‌ای است که در آن از روش تحلیل کیفی به شیوه تماتیک برای بررسی ضرب‌المثل‌های مرتبط استفاده شده است. تحلیل تماتیک روشی برای تحلیل داده‌های متنی است که در آن اطلاعات متنوع و پراکنده به توصیفات مفصل و غنی تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب که کلیه اطلاعات با روش کیفی به دقت تحلیل و تفسیر می‌شوند. پیش از انجام پژوهش با این شیوه، محقق لازم است تعیین کند که آیا می‌خواهد همه داده‌ها را بررسی کند یا تنها جنبه خاصی از آن‌ها را، از روش استقرایی استفاده کند یا قیاسی، به دنبال مضامین مشهود است یا نهفته، به دنبال پاسخ به سؤالات کلان است یا خرد (براون و کلارک^{۲۶}، ۲۰۰۶). در این پژوهش نیز هدف این بوده که با بررسی کلیه ضرب‌المثل‌های مرتبط با روابط زناشویی، تنها ضرب‌المثلهایی مورد تحلیل قرار گیرند که دقیقاً به نقش همسری یا کیفیت رابطه زناشویی مربوط‌اند. همچنین در این پژوهش از روش استقرایی برای تحلیل ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌شود. به این معنی که محققان بدون آن‌که استناد به تئوری خاصی داشته باشند، تنها بر اساس داده‌ها به تحلیل می‌پردازند. در ضمن در این پژوهش، محققان علاقه‌مند به یافتن مضامین نهفته درباره رابطه زناشویی و نقش همسران هستند تا به این سؤال کلان پاسخ دهند که رابطه زناشویی و همسران در ضرب‌المثل‌های ایرانی چگونه به تصویر کشیده شده‌اند؟

شیوه انجام پژوهش این‌گونه بوده است که از بین منابع متعدد موجود درباره ضرب‌المثل‌ها، کتاب «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) به عنوان یک منبع جامع انتخاب شد. دو دلیل برای انتخاب منبع مذکور وجود داشت. اول این‌که منبع مذکور به شکل جامع حاوی کلیه ضرب‌المثل‌های گردآوری‌شده از سایر منابع مشابه است که هر کدام تنها ضرب‌المثل‌های یک منطقه یا یک قومیت را دربر می‌گیرند. این منبع حاوی کلیه ضرب‌المثل‌های متعلق به همه اقوام ایرانی و سایر کشورهای فارسی‌زبان است. دوم این‌که در منبع مذکور می‌توان هر کلیدواژه را به شکل مجزا مورد جست‌وجو قرار داد و ضرب‌المثل‌های حاوی آن را استخراج کرد. به منظور استخراج ضرب‌المثل‌های مرتبط با رابطه زناشویی، کلیه ضرب‌المثل‌های حاوی کلمه زن، شوهر، ازدواج و مترادف‌های آن (زن گرفتن، شوهر کردن) استخراج شد. سپس تنها ۸۱۴ ضرب‌المثل که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به توصیف ویژگی‌های زن، شوهر و رابطه زناشویی مرتبط بودند، مشخص شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند و سایر موارد کنار گذاشته شدند.

یافته‌ها

پس از کدگذاری و تحلیل تمام ضرب‌المثل‌های منتخب، سه مضمون اصلی مرتبط با رابطه زناشویی استخراج شد که در ادامه ذکر می‌شوند. کلیه مضمون‌های اصلی و فرعی در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱: مضمون‌های اصلی و فرعی استخراج شده

مضمون کلی	مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	زن	شوهر	توضیحات
تفاوت بین دو جنس در ازدواج و رابطه زناشویی	شناخت‌های مربوط به ازدواج و انتخاب همسر	معیارهای مربوط به دختر یا پسر مطلوب ازدواج	۱. ظاهر مطلوب ۲. بکارت ۳. ویژگی‌های سایر اعضای خانواده ۴. جهیزیه ۵. اصالت و نجابت ۶. عقل ۷. وجهه اجتماعی خانواده	۱. تمکن مالی ۲. گشاده‌دستی	معیارهای متعددتر و سخت‌گیرانه‌تر نسبت به دختران برای ازدواج
		معیارهای مربوط به سن مطلوب ازدواج	۱. تعجیل و نگرانی نسبت به ازدواج دختر ۲. پیامد نامطلوب مجرد ناخواسته (ترشیدگی) ۳. منغور بودن زنان پیر	۱. تشویق نسبت به ازدواج زودهنگام ۲. پذیرش بیشتر نسبت به سن بالای مردان هنگام ازدواج ۳. عدم اقبال به ازدواج زن زیبا و جوان با مرد پیر	نامطلوب بودن زن پیر و مطلوب دانستن مرد پیر
	فرض‌های مربوط به تصمیم‌گیری برای ازدواج	۱. عدم صلاحیت دختر در تصمیم‌گیری برای ازدواج	۱. انتخاب‌گر بودن مرد ۲. تضمین‌کننده استحکام پیوند زناشویی	ارجحیت انتخاب‌گر بودن مرد و لزوم وجود تمایل او به زن برای استحکام ازدواج	
	فرض‌هایی درباره ازدواج با اقوام	۱. نکوهش ازدواج با بیگانگان ۲. ترجیح اقوام و آشنایان بر بیگانگان ۳. مسلم دانستن دخترعمو و پسرعمو	۱. نکوهش ازدواج با بیگانگان ۲. ترجیح اقوام و آشنایان بر بیگانگان در ازدواج ۳. مسلم دانستن ازدواج دخترعمو و پسرعمو	ترجیح اقوام و آشنایان بر بیگانگان	
	فرض‌های مربوط به اهمیت و جایگاه ازدواج در زندگی افراد	۱. نیاز به همسر و همدم ۲. ارضای نیاز جنسی ۳. ارضای نیازهای مالی ۴. یافتن ثبات و امنیت ۵. یافتن هویت و وجهه اجتماعی	۱. نیاز به همسر و همدم ۲. ارضای نیاز جنسی ۳. استقلال یافتن از خانواده اصلی	نیاز شدیدتر زنان به ازدواج در مقایسه با مردان	
	فرض‌هایی درباره مقدر دانستن ازدواج	۱. قسمت دانستن ازدواج	۱. قسمت دانستن ازدواج	اعتقاد به منبع کنترل بیرونی درباره ازدواج	
	شناخت‌های مربوط به ناهل و زندگی زناشویی	معیارهای مربوط به نقش و وظایف همسران	معیارهای مربوط به نقش و وظایف همسران	۱. خانه‌داری ۲. صرفه‌جویی و جمع‌کردن اموال شوهر ۳. تکریم شوهر ۴. اطاعت محض از شوهر ۵. ترجیح شوهر به دیگران (فرزند یا خانواده اصلی) ۶. مدیریت و ساماندهی زندگی ۷. زایش و فرزندپروری ۸. رسیدگی به ظاهر خود ۹. پرهیز از شکایت و اعتراض ۱۰. نظافت و سلیقه ۱۱. پرهیز از محافل متانت	۱. تأمین معاش ۲. حفظ مردسالاری در خانه ۳. تأدیب زن ۴. بی‌اعتنایی به اموال زن یا خانواده زن ۵. پرهیز از غر زدن ۶. پرورش ویژگی‌های مردانه و پرهیز از صفات زنانه ۷. گشاده‌دستی
شناخت‌های مربوط به ناهل و زندگی زناشویی					

فرض‌های همسران درباره یکدیگر	۱. بی‌اعتمادی زنان به مردان	۱. بی‌اعتمادی مردان به زنان	بی‌اعتمادی نسبت به جنس مخالف در هر دو جنس
فرض‌هایی درباره اهمیت کیفیت رابطه زناشویی	۱. سلامتی و شادایی به تبع رابطه موفق ۲. تأیید اجتماعی به تبع دریافت تأیید از جانب شوهر	۱. سلامتی و شادایی به تبع رابطه موفق ۲. رشد و تعالی فردی و اجتماعی به تبع رابطه موفق ۳. خانه‌خوابی و بدبختی به تبع رابطه ناموفق ۴. داشتن وزیری عاقل و مشاوره دانا	
فرض‌هایی درباره رابطه زناشویی در گذر زمان	۱. کوتاه بودن روزهای شیرین ابتدای ازدواج ۲. غلبه نکات منفی ازدواج بر نکات مثبتش	۱. کوتاه بودن روزهای شیرین ابتدای ازدواج ۲. غلبه نکات منفی ازدواج بر نکات مثبتش	شروع شیرین و خوشی کوتاه ازدواج و تلخی پایدار آن
فرض‌هایی درباره مشقات زندگی زناشویی	۱. شکایت از مشقات زندگی (خانه‌داری)	۱. شکایت از مشقات زندگی (متاهلی متاهلی)	دشواری زندگی متاهلی برای زن و مرد
فرض‌هایی درباره تعارضات زناشویی	۱. طبیعی دانستن تعارضات زناشویی ۲. همیشگی بودن تعارضات زناشویی ۳. عدم نیاز به میانجی‌گری برای حل تعارضات زوجین	۱. طبیعی دانستن تعارضات زناشویی ۲. همیشگی بودن تعارضات زناشویی ۳. عدم نیاز به میانجی‌گری برای حل تعارضات زوجین	منبع کنترل بیرونی نسبت به تعارضات زناشویی
فرض‌هایی درباره رابطه با خانواده همسر	۱. رفتارهای تبعیض‌آمیز خانواده همسر نسبت به عروس	۱. رفتارهای تبعیض‌آمیز خانواده همسر نسبت به داماد	تفاوت کیفی روابط سببی عروس داماد برای خانواده همسر
فرض‌هایی درباره طلاق	۱. نکوهش و سرزنش زن مطلقه ۲. جایز ندانستن طلاق در هر شرایطی ۳. اسناد علت طلاق زن به ناسازگاری و عدم تحمل او	۱. نکوهش و سرزنش مرد مطلقه ۲. جایز ندانستن طلاق در هر شرایطی ۳. اسناد علت طلاق مرد به ناسازگاری و هرزگی او	نکوهش طلاق
فرض‌هایی درباره بیوگی	۱. بی‌اعتمادی نسبت به زن بیوه ۲. عدم تمایل به ازدواج با زن بیوه ۳. وجود فرزندان عاملی مهم در عدم تمایل به ازدواج با زن بیوه	۱. قدر دانستن همسر دوم از جانب مرد بیوه ۲. دلسوزی نسبت به مرد بیوه ۳. تمایل به ازدواج با مرد بیوه	عدم برابری شرایط برای زن و مرد بیوه

مضمون اصلی اول: شناخت‌های مربوط به ازدواج و انتخاب همسر

این مضمون حاوی کلیه معیارها و فرض‌هایی است که در مورد ازدواج و انتخاب همسر و ویژگی‌های همسر مطلوب مطرح می‌شود. این مضمون اصلی شامل شش مضمون فرعی می‌شود که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

معیارهای مربوط به دختر یا پسر مطلوب برای ازدواج: بررسی ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد معیارهای موجود در این زمینه وابسته به جنس و تعداد ملاک‌ها برای دختران به مراتب بیشتر از پسران است. در واقع یک دختر برای داشتن یک ازدواج موفق علاوه بر این که باید ویژگی‌هایی فردی مثل «بکارت» (راه برو، بی‌راه مرو هرچند که راه پیچان بود، زن بگیر، دختر بگیر هرچند که بیوه ارزان بود/ فرش قالی، ظرف مس، زن دختر/ اگر با زن بیوه ۱۴ ساله ازدواج بکنی، بازهم دختر بکر نمی‌شود) و «ظاهر مطلوب» (زن باش زیبا باش، مرد باش هرچه می‌خواهی باش/ زمین شوره را هرگز نکن کشت، اگر مفتت دهند نستون زن زشت/ زن

خوشگل بگیر اگر کاری هم درآمد شانس آورده‌ای / شوی زن زشت‌روی نابینا به / شانس دخترها زیبایی، مال زن بیوه‌ها نیرنگ است) را داشته باشد، «ویژگی‌های سایر اعضای خانواده‌اش» (دختر خان به نام پدرش عروس می‌شود/ نام پدر، جمال دختر/ دختر که نکوست از برارش پیداست/ بهار از زمستان معلوم می‌شود، دختر از برادرش، مادر را ببین، دختر را بگیر/ دختر یک جو از ننه‌اش یا بالاتر است یا پایین‌تر/ دختر را از جایی بستان که مادرش کدبانو باشد/ اسب می‌خری به یالش نگاه کن، زن می‌گیری به مادرش نگاه کن) نیز در ازدواج او مؤثر است. هم‌چنین آنچه به یک دختر به عنوان عروس آبرو و اعتبار می‌بخشد، داشتن یک «جهیزیه» آبرومند است (عروس غرور تو به جهیزیه‌ات است/ دختر بی‌جهاز، اشکنه بی‌پياز، طالع بی‌نیاز، ملای بی‌نماز/ عروس بدون جهاز ممکن نیست) وجهه اجتماعی خانواده دختر و نوع نگاه مردم نسبت به خانواده دختر نیز در ازدواج دختر مشهود است. به صورتی که تعریف و تمجید بستگان از دختر خانواده، یک اشکال به شمار می‌آید و تنها تعریف و تمجید فردی غریبه‌تر مثل همسایه، مورد قبول واقع می‌شود (دختر که خاله‌اش تعریفش را بکند برای عمه‌اش خوب است/ با تعریف همسایه دختر را بقاپ و فرار کن، با تعریف دختر، دختر را بیداز فرار کن/ دختر را با چشم نگیر، با گوش بشنو و بگیر). اما برای پسر تنها معیاری که مهم تلقی می‌شود «تمکن مالی» است (خواستگار دختر یک گونی پول با یک انبار دروغ می‌خواهد/ اگر می‌خواهی ببری دختر بابا خانه، شل کن دو قرانه/ زن پسرعمویم شدم به آن امید که خانه آماده دارد، نمی‌دانستم که یک لگن پوسیده و یک تاس شکسته دارد). «زیبایی» در فرهنگ ایرانی صفتی مختص زنان تعریف می‌شود و داشتن آن برای مردان ملاک مهمی تلقی نشده و در مواردی نکوهش نیز می‌شود (خوشگلی مال زنه، کچلی مال مرد/ مرد باید انقدر زشت باشد که زن از او رم کند/ مرد به سیرت، زن به صورت/ جمال زن، کمال زن؛ کمال مرد، جمال مرد).

معیارهای مربوط به سن مناسب ازدواج: نگاهی به ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که در شوهر دادن فرزند دختر تعجیل قابل توجهی وجود داشته است (دختر هر چقدر هم خوب باشد، گوشت بوآمده است، زودتر باید ردش کرد/ دختر که رسید به بیست باید به حالش گریست/ دختر که دستمال سرش زدی به شوهر بده/ دختر نه ساله یا باید شوهر رفته باشد یا به گور). البته استثنائاتی نیز در این میان به چشم می‌خورد که به فواید ازدواج کردن دختران در سنین بالاتر اشاره دارد (دختر هرچه توی خانه بمانه، جوهر میاره/ دختر بزرگ هر چقدر بماند بختش بهتر می‌افتد) اما تعداد این موارد در قیاس با تعداد ضرب‌المثل‌های ترجیح به ازدواج دختران در سن کم به شکل قابل توجهی کمتر است. به نظر می‌رسد موارد استثنا بیانگر این موضوع هستند که نباید از سر نگرانی بی‌شوهر ماندن دختر او را با عجله به عقد هر کسی درآورد. جدا از این که عامل «جوان بودن» یک امتیاز مثبت به شمار می‌آید، یکی از دلایل این تعجیل می‌تواند مسئله «آسیب‌پذیری و حساسیت ازدواج دختران» باشد، به عبارتی امر ازدواج برای دختر در ایران به قدری اهمیت دارد که نه تنها والدین باید همواره فرزند دختر را تحت نظارت و کنترل داشته باشند (دختر مثل عقربه ساعت است، نگاه والدین باید همیشه به او باشد)؛ بلکه باید همواره مراقب رفتارهای خود با سایر مردم باشند تا امر ازدواج دختران‌شان به خطر نیفتد (آدم خودش دختر داشته باشد عیب روی بچه‌های دیگران نمی‌گذارد / اگر هفت دختر هم داشته باشد، به کسی سر سلامت نمی‌گوید)، اما در رابطه با پسران نه تنها تأکید خاصی روی سن ازدواج پسران وجود ندارد؛ بلکه حساسیت و آسیب‌پذیری نیز به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد با توجه

به جامعه سنتی ایران که پیشنهاد ازدواج همواره از سمت پسر مطرح می‌شده، امکان ازدواج در هر سنی برای پسر وجود دارد (دخترت را هر وقت توانستی شوهر بده، برای پسر هر وقت خواستی زن بگیر) و فقط در تعداد کمی از ضرب‌المثل‌ها ازدواج در سنین پایین‌تر به پسران توصیه می‌شود، ولی جنبه اجبار و الزام ندارد (کار را باید صبح زود انجام داد و زن را هم باید در کودکی برای پسر گرفت/ آن‌که زودتر زن بگیرد و از پدر و مادرش جدا شود پشیمان نمی‌شود). از طرفی حتی پس از ازدواج نیز زنان در سنین بالاتر به دلیل از دست دادن ویژگی‌هایی مثل زیبایی، جوانی و قدرت باروری، جایگاه و محبوبیت خود را از دست می‌دهند (زن پیر خانه‌دار، خانه را خراب می‌کند/ زن پیر دارم چرم می‌بره/ زن پیر مایه جوان‌مرگی است) اما شوهر پیر جایگاه متفاوتی دارد؛ بعضی ضرب‌المثل‌ها تأکید دارند که شوهر نیز در هنگام پیری احترام خود را از دست می‌دهد (شوهر پیر شود، بی‌احترام می‌شود، زن پیر شود، از چشم می‌افتد)، اما تعداد بیشتری از ضرب‌المثل‌ها اشاره به این امر دارند که شوهر در مرحله پیری هم جایگاه خود را حفظ می‌کند (شوهر پیر شکرپنیر است) و حتی زنان جوان را ترغیب می‌کنند با مردان پیر ازدواج کنند (هرکس به پیر شوهر کند کاجی می‌خورد و هرکس به جاهل جوان ازدواج کند مشت) هرچند تعداد زیادی از ضرب‌المثل‌ها نیز این نوع ازدواج را برای زن جوان نامطلوب می‌دانند (زن جوان را اگر تیری در پهلو نشیند، به که پیری). به شکل خلاصه می‌توان گفت پیری محبوبیت همسر را در دو جنس کاهش می‌دهد، اما وضعیت مردان در این مورد بهتر از زنان است.

فرض‌هایی درباره تصمیم‌گیری برای ازدواج: اهمیت رضایت قلبی دختر و پسر در ازدواج یکی از عواملی است که هم برای پسر و هم برای دختر در ضرب‌المثل‌ها ذکر شده است (هر چیزی شهرپسند است، زن و شوهری دل‌پسند) و در صورتی که دختر یا پسر با بی‌میلی ازدواج کند، عواقبی به دنبال خواهد داشت (زن اگر با بی‌میلی شوهر کند، پسر ناقص می‌زاید/ حجله دامادی زورکی عزاست/ شوهر که موافق میل نیست، خانه گذاشتن برایم مشکل است). اما با این حال باز هم تفاوت‌هایی در تصمیم‌گیری ازدواج توسط دختر و پسر دیده می‌شود؛ مواردی از ضرب‌المثل‌ها نشانگر این است که دختر صلاحیت تصمیم‌گیری برای ازدواج را ندارد و در صورتی که انتخاب به خودش واگذار شود، تنها با تکیه بر احساس و بدون توجه به عقلانیت تصمیم می‌گیرد و با فردی نامناسب ازدواج می‌کند (اگر دختر را به حال خود بگذاری با مطرب ازدواج می‌کند / اگر دختر را به حال خود بگذاری یا زن نی‌نواز می‌شود یا زن دوتارنواز / دختر را که به حال خود گذاشتی یا به عاشق شوهر کند یا به سورنایی). در مقابل عکس این حالت برای پسران برقرار است، ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهد که برای استحکام روابط عاطفی بین زوجین انتخاب عروس حتماً باید سلیقه خود پسر باشد، نه دیگران (پسند مادر و خواهر جاش در گوشه، پسند پسر جاش تو آغوشه).

فرض‌هایی درباره ازدواج با اقوام: ظاهراً در فرهنگ ایرانی ترجیح بر این است که دختر با قوم و خویش و نزدیکان خود و به خصوص پسرعموی خود ازدواج کند (دخترعمو، پسرعمو، نه شیخ می‌خواهد نه قاضی) و برای زندگی به شهر یا قبیله دیگری نرود (اسب در لاغری، دختر در غربت/ دختر را بیگانه نکن)، اما این حساسیت برای فرزند پسر بسیار کمتر است (دخترعمو تو زشتی، کسی پیدا نشه تو هستی). طبق یافته‌ها این عقیده وجود دارد که ازدواج دختر با نزدیکان، تأییدکننده خوب بودن دختر است (اسب خوب از طویله بیرون نمی‌رود، دختر خوب از قبیله) و ازدواج با بیگانگان برای دختر و خانواده‌اش عیب به شمار می‌رود (دختر خوب را به بیگانه نده، حیف است، دختر بد را هم به بیگانه مده که عیب است).

فرض‌هایی درباره اهمیت و جایگاه ازدواج در زندگی افراد: ضرب‌المثل‌ها نشانگر این است که ازدواج برای زن و مرد ضروری دانسته شده است (مرد را زن و زن را شوی ضروری است). ازدواج برای مرد از این جهت ضروری دانسته شده که مرد جدا از نیازهای جنسی و عاطفی (خودم را اخته کردم تا اسیر زن نشوم) و کسب استقلال با جدایی از پدر و مادر (هر کس که زودتر ازدواج کند و از پدر و مادرش جدا شود، پشیمان نمی‌شود) برای داشتن یک زندگی مطلوب به زن نیاز دارد (چشم مردی که زن ندارد، قرمز است/ مردی که زن ندارد، آرام تن ندارد/ زن عافیت زندگی است). اهمیت این موضوع تا جایی است که با این‌که در فرهنگ ایرانی «قرض گرفتن» امری نامطلوب تلقی می‌شود (شوهر مرد، قرض اوست)، با این حال به مرد توصیه می‌شود که حتی در صورت نداشتن توانایی مالی، قرض بگیرد و ازدواج کند (پول قرض کن ازدواج کن، قرض را می‌دهی زن را داری). در مقابل، ازدواج برای زنان نیز امری ضروری و حتی هویت‌بخش محسوب می‌شود. زن در فرهنگ ایرانی علاوه بر ارضای نیازهای مالی (شوهر بیرون باشد، نان‌ش توی خانه باشد/ مرد جیبش خوشگل باشد) و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی (شوهرک جون دلک، برو زیر لحافش ببین چه خوبک) به شوهرش به عنوان یک تکیه‌گاه و حامی نیز نیازمند است (شوهرم زنده باشد، بگذار آرد جو هم در خانه‌ام نباشد/ شوهر ستون خانه است/ دلم خوش است شوهر دارم، سایه روی سر دارم / ای زن، ابله و متهور نشو چون هیچ کوهی بدون مرد نمی‌شود). اهمیت این مسئله به خصوص زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که دختر از سن بهنجار جامعه برای ازدواج عبور کند، القابی تحقیرآمیز مانند «دختر ترشیده» یا «پیردختر» به او اطلاق می‌شود (دختر ترشیده را کی خواست؟ درمانده/ ننگ شوهر نکردن دختر پیر مال داییش است). واژه ترشیده به این معناست که دختر مانند میوه‌ای است که اگر به موقع چیده نشود (ازدواج نکند)، ترش و بی‌مصرف می‌شود. ظاهراً مهم‌ترین ثمره و حاصل عمر یک دختر «ازدواج» است و در صورت ازدواج نکردن، به ثمر ننشسته است.

فرض‌هایی درباره تقدیر بودن ازدواج: بر اساس ضرب‌المثل‌ها انتخاب همسر بیشتر از آن‌که یک امر انتخابی و تحت خواست و کنترل فرد باشد، امری مقدر و از پیش تعیین‌شده است (خدا خاک زن و شوهر را از یک جا برداشته/ عروس به اجاق و شانس بستگی دارد).

مضمون اصلی دوم: شناخت‌های مربوط به تأهل و زندگی زناشویی

این مضمون به شناخت‌های همسران نسبت به زندگی متأهلی و روابط آن‌ها پس از ازدواج مربوط می‌شود. این مضمون، خود شامل هفت مضمون فرعی است که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

معیارهای مربوط به نقش و وظایف همسران: ضرب‌المثل‌ها نشانگر این است که در فرهنگ ایرانی وظایف مربوط به داخل منزل مربوط به زن و وظایف بیرون از خانه، به عهده شوهر است (زن از درون، مرد از بیرون خوب خانه می‌سازد). به صورت کلی، مسئولیت تأمین معاش خانواده فقط به عهده شوهر است (مرد چسنگ روی دیوار باشد، ولی یک کیلووربع نان بیاورد/ شوهر بیرون باشد، نان‌ش توی خانه باشد) و استفاده از مال و اموال زن برای مرد نوعی ننگ و عار و موجب سرکوفت و پشیمانی است (مال زن، خار تن/ مال زن مثل زخم پیشانی می‌ماند/ مال زن مال خودشه، سرکوفتش مال مرد)؛ در مقابل زن مدیر مالی خانه و مسئول جمع‌کردن اموال شوهر است (مرد را زن صاحب خانه و زندگی می‌کند/ زن بناست و مرد کارگر) تا جایی که

«خساست» یک ویژگی مطلوب برای زن به شمار می‌رود (مرد سخاوتمند و زن خسیس و صرفه‌جو خوب است). به عبارتی دیگر سامان‌دهی امور منزل و ساختن زندگی با زن است و زن رئیس و مدیر خانه به حساب می‌آید، به همین خاطر وظایفی مثل «خانه‌داری» نیز به عهده اوست (زن باشد، جارو باشد/ کارگر را چلمه قلعه کردن، زن را آشپزی).

یکی دیگر از وظایف شوهر، حفظ مردسالاری در نظام خانواده است. شوهر باید تصمیم‌گیرنده امور باشد و تبعیت شوهر از رأی و تصمیم زنش، تا حدی مایه ننگ است که حتی نمی‌توان از او با عنوان «مرد» یاد کرد (چون به فرمان زن کنی ده و گیر/ نام مردی مبر به ننگ بمیر) و از معامله با چنین مردی نهی شده است (با کسی که به حرف زنش است معامله نکن). در راستای حفظ مردسالاری، یکی از وظایف شوهر «تربیت زن» است (خانه شوهر، خانه ادب/ سگ را در بچگی تربیت می‌کنند و زن را هنگام عروس شدن و در خانه شوهر)، تا حدی که خوب بودن یا بد بودن یک زن بستگی به شوهرش دارد و مسئولیت این امر به عهده اوست (هر زنی که خوب نبود از بی‌عرضگی شوهرش است/ بدی زن از شوهرش است، خوبی نان از ظرف آن) و شوهر می‌تواند از هر ابزاری از جمله «کتک زدن» استفاده کند (اسب پوزه‌بند می‌خواهد، زن کتک/ زن یعنی بز/ مذهب زن چماق است)؛ در مقابل یکی از وظایف مهم زن تکریم و احترام به شوهر (مرد تاج سر، خدای کوچک زن، سایه سر/ پیش زن گرمی‌تر از شوی نیست) و تبعیت از اوست (آب از پشت جوی، زن از پشت شوی/ اسب از مربی و زن از مردش فرمان می‌برد) و جایگاه شوهر تا حدی مهم است که زن باید شوهرش را به خانواده مبدأ و فرزندانش ترجیح دهد (برای پسر شاهت مادر نباش، اما برای شوهر کورت زن باوفایی باش/ مادرم باشد، پدرم باشد، بیشتر از همه شوهرم باشد). این وظایف مکمل در کنار یکدیگر موجب تقویت مردسالاری در خانواده ایرانی می‌شود. علاوه بر این وظایف دیگری برای زن مثل «رسیدگی به ظاهر خود» (از حمام می‌آیی برو خانه شوهر، از جامه‌شویی خانه پدر) و «فرزندآوری» نیز اشاره شده است (زنان را همین بس بود یک هنر/ نشینند و زاینند مردان نر). اهمیت فرزندآوری برای زن تا حدی است که تفاوت جایگاه زن فرزنددار و زنی که فرزند ندارد به وضوح آشکار است (زن تا نزاییده، بیگانه است/ کلید خانه را کی دارد؟ زنی که بچه دارد) و می‌تواند عامل «ظاهر مطلوب» را که یکی از معیارهای مهم در ازدواج برای پسران است، بی‌اعتبار کند (زن زشت زاینده به که زن زیبای نازاینده). در ضرب‌المثل‌ها برخی ویژگی‌های اخلاقی در جایگاه همسری نهی شده که تعداد این ویژگی‌ها برای زنان بیشتر از مردان است. یکی از ویژگی‌های مشترک نهی‌شده در جایگاه همسری برای همسران «غر زدن» است (زن غرغروکنان، آدم را از زندگی سیر می‌کند/ مشک سوراخ‌شده، پشتم را خیس و شوهر غرغروکنان گوشم را کر می‌کند). هم‌چنین شوهر از ویژگی‌هایی چون «خساست» (مرد باید در خانه را با پاهایش باز کند/ مرد باید دست و دلباز باشد) و «داشتن رفتارهای زنانه و بچگانه» نهی شده است (خدا دیگت را دیگچه نکند و شوهرت را بچه/ مرد نباید زنانه باشد). در رابطه با ویژگی‌های نهی‌شده زن باید به این نکته توجه کرد که مسئولیت و مدیریت امور خانه با زن است و ویژگی‌های اخلاقی زن در کیفیت امور خانه‌داری مؤثر است، ویژگی «کثیف و شلخته‌بودن» از صفات نهی‌شده برای زن است (زن کثیف و خوک شکمو چون یکدیگرند/ خر لنگ و زن شلخته مثل طوق بندگی به جانم افتاده‌اند). هم‌چنین «عادت به محافل دوستانه و اقوام منزل» نیز برای زن صفت مطلوبی به شمار نمی‌رود؛ چراکه موجب می‌شود زن از امور مربوط به خانه‌داری و فرزندداری غافل شود (محفل زن باعث خانه‌خرابی

مرده/ دور هم نشستن زنان، زن تنبل را بی‌شام می‌گذارد). علاوه بر این در خانواده سنتی ایرانی، زن معمولاً در پستوی خانه است و این مسئله به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود (زن پنهان، زر پنهان/ راز است زن، راز در پرده به)؛ از همین رو «سبک‌سری» و «جسور و سلیطه‌بودن» ویژگی‌های نهی‌شده برای زن در جایگاه همسری تلقی می‌شود (در خرمی بر سرایی ببند که بانگ زن از وی برآید بلند/ از سیلاب و زن جسور و بی‌ادب بر حذر باش/ از زن زبان‌دار و سگ‌هار بترس).

فرض‌های همسران درباره یکدیگر: بر اساس یافته‌ها به صورت پیش‌فرض بین زن و شوهر، اعتماد وجود ندارد. به صورت کلی زن موجودی بی‌وفا و غیرقابل اعتماد است (ابله شده‌ای ز زن وفا می‌طلبی؟/ به دزد اعتماد کن، به زن نکن). علاوه بر این در فرهنگ ایرانی زن رازدار نیست؛ تا حدی که مرد از گفتن راز دل با همسرش نهی شده است (دهان زن شل است/ حرف دلت را برای زنت نزن). در مقابل مردها نیز از نگاه زنان، افراد قابل اعتمادی نیستند (به ک...ن بچه می‌شود اعتماد کرد، به مرد نمی‌شود). میزان این بی‌وفایی تا جایی است که مرد با بهبود شرایط مالی به فکر تجدید فراش می‌افتد (اگر شلوار مرد دو تا باشد، زن می‌گیرد).

فرض‌هایی درباره اهمیت کیفیت روابط زناشویی: طبق ضرب‌المثل‌ها کیفیت روابط زن و شوهر در زندگی فردی و اجتماعی طرفین بسیار مؤثر است و بدبختی یا خوشبختی هر یک از طرفین وابسته به آن است. داشتن یک زن خوب می‌تواند مرد را به مراتب اعلائی از حیث مادی و معنوی برساند (زن خوب و فرمانبر پارسا، کند مرد درویش را پادشاه/ زن قابل، مرد ناقابل را قابل می‌کند) و مرد را از نعمت داشتن «وزیر و مشاور عاقل» برخوردار کند (زن خوب، وزیر مرد است/ کلید عقل مرد به دست زن اوست). از سویی دیگر داشتن زنی بد، مرد را به نابودی می‌کشاند و خساراتی جبران‌ناپذیر برای او به همراه خواهد داشت (خانه‌ای که زن خراب نماید، هیچ‌کس نمی‌تواند آباد کند/ از زن بد، آدم دین‌دار کافر می‌شود). هم‌چنین یکی از مضرات داشتن همسر بد، چه برای مرد و چه برای زن، از دست دادن سلامتی و جوانی است (ریش مردی که زن خوب ندارد، زود سفید می‌شود/ زنی که شوهر بدی دارد، روز به روز پیر می‌شود). زن از نظر جایگاه اجتماعی و هویت اجتماعی نیز بسیار تحت تأثیر رفتارهای شوهر است، به عبارتی زن با کسب رضایت شوهر به نوعی هویت و اعتبار اجتماعی دست می‌یابد (از التفات شوی بود قدر زن بلند/ شوهرت که هوای تو را داشته باشد، چوبت به فلان ستاره می‌رسد) و در صورت عدم کسب رضایت شوهر، از جانب اجتماع نیز طرد می‌شود (مطرود شوهر، مطرود جامعه است و مقبول شوهر، مقبول جامعه/ آدم را خاک به سر کند شوهر است، آدم را گل به سر کند شوهر است).

فرض‌هایی درباره رابطه زوج در گذر زمان: ضرب‌المثل‌های معدودی که درباره تحول رابطه زوج در گذر زمان وجود دارند، نشان‌دهنده این هستند که رابطه زوج فقط در سال‌های ابتدایی شیرین است و به تدریج از مطلوبیت این رابطه تا حد زیادی کاسته می‌شود (بعد از عروسی اول ماه عسله، بعد ماه سرکه و شیر، بعد ماه زغنبود/ زنت تا یک سال زنته، بعداً همسایته).

فرض‌هایی درباره مشقات زندگی زناشویی: در ضرب‌المثل‌ها هم مردان و هم زنان، شکایت‌هایی از زندگی متأهلی دارند. برخی از این شکایات مربوط به مشقت و ظایف زندگی زناشویی از جمله خانه‌داری برای

زن و تأمین معاش برای مرد است (چه خوب است بی‌زنی، یک نان سنگک تنها بزنی/ شوهر کردن آسان است اما قبا شستن سخت است). اما برخی دیگر از شکایت‌ها به صورت کلی ازدواج را نکوهش کرده‌اند، این نکوهش از این جهت است که فرد با ازدواج خود را مبتلا به غم و دردمس می‌کند (شوهر کردی، دل خود را پر خون کردی/ آدم بی‌زن پادشاه بی‌غم است/ زن گرفتن آسان است، اما دردمس زن زیاد است).

فرض‌هایی درباره تعارضات زناشویی: یکی از نکات مهم در ضرب‌المثل‌ها طبیعی تلقی کردن درگیری بین زن و شوهر است و این مسئله چندان جدی و نگران‌کننده در نظر گرفته نمی‌شود (اگر زن و شوهر دعوا نکنند، خواهر برادر می‌شوند/ دعوی زن و شوهر دروغ است، نباید باور کرد). از طرفی به نظر می‌رسد دعوی بین زن و شوهر باید خود به خودی و حتی بدون قضاوت و میانجی‌گری دیگران حل شود (بین زن و شوی میانجی‌گری نکنید/ قاضی بین زن و شوهر بالای درخت انجیر است).

فرض‌هایی درباره رابطه با خانواده همسر: ظاهراً بخش زیادی از مشقات ازدواج مربوط به تعاملات با خانواده همسر است. داماد در خانواده ایرانی علاوه بر این که نزد خانواده همسرش منفور است و جایگاه اجتماعی ندارد (داماد خوب خوبش دسته خنجر یزید است)، خانواده زن از او بیگاری می‌کشند (داماد حمال پدرزن است/ خر نداری، داماد بگیر). وضعیت عروس به مراتب بدتر از داماد است، ضرب‌المثل‌های زیادی یافت می‌شوند که نشانگر کنایه و ایرادگیری شدید خانواده شوهر نسبت به عروس است (عروس کچل بود، گ... هم از آب درآمد/ اگر عروس مان کور و کچل نبود هیچ عیبی نداشت). به صورت کلی هم زن و هم شوهر در ارتباط با خانواده سببی، به خصوص مادر همسر چالش‌های جدی دارند (مادرشوهر قاتل عروس است/ مادرشوهر مار دوسر/ داماد بی‌مادرزن، بی‌غم/ مادرزن نمی‌ارزد به یک ارزن).

مضمون اصلی سوم: شناخت‌های مربوط به ختم ازدواج: در بین ضرب‌المثل‌های ایرانی به موضوع طلاق و بیوگی به عنوان دو حالت ختم ازدواج و پیوند زناشویی پرداخته شده که در ادامه هرکدام بیشتر توضیح داده می‌شوند.

فرض‌هایی درباره طلاق: طلاق در فرهنگ ایرانی امری بسیار نامطلوب است (طلاق عرش خدا را می‌لرزاند/ دختر باید با چادر سپید به خانه شوهر برود و با کفن بیرون بیاید). بنابراین زن و مرد مطلقه بسیار مورد نکوهش قرار می‌گیرند و ازدواج با زن و مرد مطلقه به شدت نهی شده است (اگر بساز بود با شوهر اولش می‌ساخت/ زن مرده را زن بده، زن طلاق داده را سگ بده/ زن طلاق داده هرزه است)، زیرا فرض بر این است که به دلیل مشکلات رفتاری یا ناسازگاری‌شان قادر به حفظ زندگی مشترک نبوده‌اند و این ویژگی‌ها دائمی است.

فرض‌هایی درباره بیوگی: طبق یافته‌ها پس از مرگ همسر، جایگاه زن، تغییر چشم‌گیری پیدا می‌کند. نگاه حاکم بر زنان بیوه مبتنی بر بی‌اعتمادی و طرد اجتماعی است (آب شب‌مانده و زن بیوه هیچ‌کدام قابل اعتماد نیستند/ شیطان دست به روی زن بیوه می‌کشد) و ازدواج با زن بیوه به دلیل نداشتن بکارت و دلایلی مثل فرزند داشتن از ازدواج قبلی مطلوب نیست (بیوه‌زن مگیر، همراهش کره اسب می‌آورد)، حتی اگر ویژگی‌هایی مثل زیبایی، جوانی یا ثروت داشته باشد (زن بیوه نگیر اگرچه حور است/ اگر با زن بیوه ۱۴ ساله هم عروسی بکنی باز هم مثل دختر بکر نمی‌شود/ زن بیوه اگر یک خشت اتاقش طلا و یکی نقره باشد، ارزش ندارد). اما برای مرد، پس از مرگ همسر، تغییر جایگاهی اتفاق نمی‌افتد و ضرب‌المثل‌ها تنها حاکی از

دلسوزی برای مرد زن‌مرده و تأکید بر ازدواج مجدد با اوست (اگر می‌خواهی بشوی عزیز دل و گرده شوهر بکن به مرد زن‌مرده/ زن بده به زن‌مرده که قدر زن بداند).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی تصویر ازدواج و رابطه زناشویی در فرهنگ ایرانی و بررسی فرض‌ها و معیارهای مربوط به رابطه زناشویی و همسران در ضرب‌المثل‌های ایرانی انجام شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان مضمون‌های استخراج‌شده را به سه دسته کلی: شناخت‌های مربوط به ازدواج و انتخاب همسر، شناخت‌های مربوط به تأهل و زندگی زناشویی، شناخت‌های مربوط به ختم ازدواج طبقه‌بندی کرد. مضمون کلی در این پژوهش عدم برابری جنسیتی بود.

نگاهی به مضمون مربوط به پیش از ازدواج و معیارهای استخراج‌شده برای دختر و پسر مطلوب برای ازدواج و مقایسه بین جنسیت‌ها مشخص می‌کند که معیارهای لازم برای انتخاب زن مناسب دارای سرفصل‌های بیشتری از شوهر مناسب است. به این معنی که زنان لازم است پیش از ازدواج از منظر ظاهری، سنی، روانی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مورد بازبینی قرار گیرند. اما مردان برای ازدواج تنها لازم است از نظر مالی تمکن داشته باشند. این امر می‌تواند نمایانگر سخت‌گیری بیشتر برای زنان نسبت به انتخاب شدن در ازدواج باشد. به جز این مسئله، تعجیل و نگرانی که برای ازدواج دختران در مقایسه با پسران وجود دارد، نگرانی از مجرد ناخواسته دختران (ترشیدگی و انتخاب‌نشدن) و مکروه بودن طلاق و بیوگی برای زنان، بیانگر این مسئله هستند که برای زنان در جامعه سنتی ایران مسیر مقبولی به جز تأهل در اجتماع موجود نبوده است. بنابراین نگرانی مداوم خانواده‌های برای ازدواج دختران می‌تواند تا حدی تبیین‌کننده اقبال کمتر خانواده ایرانی برای داشتن فرزند دختر در برابر فرزند پسر (چراغی و ابراهیمی^{۲۷}، ۱۳۹۷) باشد؛ زیرا معمولاً دارا بودن فرزند دختر دغدغه‌ها و هزینه‌های مالی قابل توجهی را به خانواده تحمیل می‌کند.

همان‌طور که مضمون کلی بیانگر است، بنا بر یافته‌ها، زنان هویت مستقلی چه پیش از ازدواج یا پس از ازدواج ندارند و کیفیت رابطه آن‌ها با همسرشان تعیین‌کننده مقبولیت اجتماعی آن‌هاست. این امر نیز می‌تواند مبین وجود نظام هرمی حاکم بر خانواده و جامعه بر اساس مردسالاری باشد که زنان را تحت سیطره مردان و غیرمستقل می‌داند. قابل توجه است که معیارهایی که درباره زنان و مردان در نقش همسری به دست آمده است، هم‌چون لزوم اطاعت زن از مرد، لزوم تأدیب زن توسط مرد و حفظ مردسالاری در خانواده نیز بر این ادعا صحت می‌گذارند. حتی توصیه‌هایی که در ضرب‌المثل‌ها به مردان جهت نادیده‌گرفتن اموال زنان وجود دارد نیز می‌تواند به همین دلیل باشد که به واسطه اتکای مالی مرد به زن، اقتدار او در خانواده به خطر می‌افتد. چیدری (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده که چشم‌داشتن به مال و ثروت زن، شوهر را حقیر می‌کند و از شخصیت او می‌کاهد. بنابراین خانواده نیز خرده‌نظام کوچکی از جامعه بزرگ است که لازم است ارزش‌های حاکم بر جامعه هم‌چون ارزش‌های مردسالارانه را پذیرفته و اجرا کند. بدین ترتیب مردانی که نقش غالب و مقتدر را در منزل رعایت نکنند، مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرند. از طرفی نسبت به زنان سرکش و نافرمان نیز نگرشی عتاب‌آمیز وجود دارد.

عدم برابری جنسیتی، در قائل‌بودن صلاحیت برای انتخاب همسر برای مردان و جایز نشمردن این حق برای زنان نیز نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین شاید اینجا بتوان به شکل تلویحی فرضی را درباره رابطه زناشویی استخراج کرد؛ این‌که علاقه‌مندی شوهر به زن لازم است، اما علاقه‌مندی زن به شوهر چندان مهم و ضامن موفقیت ازدواج نیست. این امر می‌تواند به دلیل وجود حق شرعی مردان برای طلاق، یا ازدواج مجدد و عدم وجود این حق برای زنان باشد. بدین ترتیب اگر مرد همسرش را دوست نداشته باشد، احتمال طلاق یا ازدواج مجدد که در حیطه اختیار اوست، افزایش می‌یابد. ظاهراً به دلیل پیشگیری از این مسئله توصیه می‌شود که زن، منتخب شوهر باشد. این یافته را نیز می‌توان مؤید برتری مردان بر زنان در جامعه و خانواده دانست.

نکته مهم دیگر که در یافته‌ها به چشم می‌خورد، بی‌اعتمادی و فرض‌های منفی نسبت به جنس مخالف است که در ضرب‌المثل‌های مربوط به هر دو جنس به چشم می‌خورد. با در نظر داشتن وجود بی‌اعتمادی نسبت به افراد غیر خودی و بیگانه در فرهنگ ایرانی (ثریا^{۲۸}، ۱۳۸۸؛ سریع‌القولم^{۲۹}، ۱۳۹۰)، شاید یکی از دلایل ترجیح ازدواج‌های خویشاوندی بر ازدواج با غریبه‌ها به دلیل اعتماد اجتماعی اندک ایرانیان باشد. به این معنی که در ازدواج با غریبه‌ها علل بی‌اعتمادی به طرف مقابل دوچندان می‌شود؛ زیرا هم شامل بی‌اعتمادی به یک فرد غریبه و هم نسبت به جنس مخالف می‌شود.

نکته مهم دیگر وظایف و نقش‌های منتسب به زنان و مردان متأهل است. وظایف مکمل همسران که مردان را مسئول امور بیرون از منزل و زنان را مسئول امور داخل منزل می‌داند، یکی از ویژگی‌های خانواده‌های سنتی است (نیکولز و شوارتز^{۳۰}، ۱۳۹۶).

در ضرب‌المثل‌های ایرانی ازدواج، هم برای مردان و هم برای زنان مهم دانسته می‌شود. بدین ترتیب که کیفیت ازدواج، زندگی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، اما دلایل اهمیت ازدواج می‌تواند در دو جنس متفاوت باشد. در زنان ازدواج مهم‌ترین اتفاق زندگی محسوب می‌شود که دغدغه آن برای والدین دختر از سال‌های اولیه کودکی او تا سن ازدواج وجود دارد. این امر به شکل دغدغه خانواده برای تهیه جهیزیه مناسب و شوهر دادن سریع دختر نمود داشته است (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). اما در مردان ازدواج بیشتر به مثابه استقلال از خانواده اصلی، یافتن زنی مراقب و دلسوز برای سپردن وظایف و مسائل اندرونی خانه به او، آرامش‌یافتن و رشد معنوی محسوب می‌شود. بر اساس یافته‌ها، زندگی متأهلی با وجود مزایا برای هر دو جنس، هزینه‌هایی را نیز به دنبال دارد. با این وجود به نظر می‌رسد که در جامعه سنتی ایران در گذشته که راهی برای ارضای نیازهای جنسی به جز ازدواج مقبول و مشروع دانسته نمی‌شده است، زنان و مردان گریزی از ازدواج و به جان خریدن دشواری‌های آن نداشته‌اند.

یکی از نکته‌های مهم که در یافته‌های این مطالعه به چشم می‌خورد، وجود برخی نظرات متناقض نسبت به نقش و جایگاه زن در ازدواج و تأثیرات او بر زندگی شوهر است. به این ترتیب که در برخی ضرب‌المثل‌ها شاهدیم که به مردان اکیداً توصیه می‌شود که به زنان اعتماد نکرده و آن‌ها را محرم اسرار خود ندانند. از سوی دیگر زنان در جایگاه وزیران و مشاوران مردان دانسته می‌شوند که مردان از دامان آن‌ها به معراج و پادشاهی می‌رسند. البته این امر می‌تواند به وجود تصویر متناقض زن در فرهنگ و ادبیات ایرانی مربوط باشد که تحقیقات پیشین (موحد، عسکری، یادعلی^{۳۱}، ۱۳۹۱؛ خزلی و سلیمی^{۳۲}، ۱۳۹۵) نیز آن را گزارش کرده‌اند.

شاید در نهایت بتوان با در کنار هم گذاشتن یافته‌ها در کنار هم، بدین‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رابطه زناشویی ایده‌آل در ضرب‌المثل‌ها این‌گونه منعکس شده است: زن خوب فرمانبر پارسایی که عقلانیت او به حدی باشد که مخاطب مشورت همسرش قرار گیرد، می‌تواند همسرش را به درجات اعلائی برساند. او باید بتواند با صبر، اطاعت و رفتار نیکو خود را به همسرش اثبات کند، اما حدود خود را بداند و برتری قدرت و جایگاه همسرش را نسبت به خود بپذیرد. از سوی دیگر شوهر ایده‌آل به شکل مردی قوی، با صفات غالبی مردانه، دارای تمکن مالی و گشاده‌دست است که بر خانواده، بالاخص همسرش تسلط کامل دارد، می‌داند که چگونه حد و حدود اعضای خانواده را نگاه دارد و بی‌نیاز و بی‌توجه به اموال همسرش یا خانواده اوست. او همسرش را دوست می‌دارد، به او متعهد است و قدر و منزلت او را می‌داند. اما به نظر می‌رسد تحقق چنین حالت بهینه‌ای در حالی که زنان و شوهران نسبت به هم بسیار بی‌اعتمادند و دائماً نگران بی‌وفایی و سوءرفتار از جانب طرف مقابل هستند، بعید و دشوار باشد.

به نظر می‌رسد در تصویر ارائه‌شده از باید‌های موجود در خانواده ایرانی جای اعتماد، صمیمیت، هویت زوجی و احساس ما بودن در بین همسران خالی است. باید توجه داشت که در ازدواج‌های سنتی، فرض بر آن است که هدف ازدواج بیشتر تولید مثل و تقسیم وظایف است تا یافتن همسری که بتوان آن را شریک روان دانست و با آن رابطه‌ای مبتنی بر صمیمیت و اعتماد داشت (فالیکو^{۳۳}، ۲۰۰۳؛ روبرتو - فورمن^{۳۴}، ۲۰۰۸). بدین ترتیب در چنین شرایطی همسران، بالاخص زنان که از نظر مرتبه قدرت و اختیار در طبقه پایین‌تری نسبت به شوهران‌شان قرار می‌گیرند، برای جبران خلاء عاطفی و تثبیت موقعیت خود، به فرزندآوری و متمرکز ساختن توجه و عاطفه خود نسبت به فرزندان (بالاخص فرزندان ذکور) اقدام می‌کنند. این امر منجر به ایجاد مثلث‌سازی در خانواده سنتی و ایجاد ائتلاف بین مادر و فرزندان در برابر پدر می‌شود (فالیکو، ۲۰۰۳). بدین ترتیب به نظر می‌رسد که روابط بین همسران بیشتر از آن‌که مبتنی بر اعتماد و صمیمیت باشد، بر اساس هنجارهای حاکم بر جامعه، ترس، اطاعت و نابرابری تنظیم می‌شود. البته نیاز جنسی نیز به عنوان مهم‌ترین نقطه اتصال بین همسران نقش مهمی در این میان ایفا می‌کند.

موضوع مهم دیگر نوع نگاه ایرانیان نسبت به رابطه زناشویی و ویژگی‌های آن است. همان‌طور که در ضرب‌المثل‌ها مشاهده می‌شود، رابطه زناشویی با یک شروع دل‌انگیز و جذاب در کوتاه‌مدت و تعارضات غیر قابل اجتناب در بلندمدت به تصویر کشیده شده است که به حل یا پیشگیری از آن‌ها امید چندانی نیست. در پژوهشی مشابه نیز تأکید شده که شرایط مساعد و ایده‌آل در ابتدای زندگی، الزاماً ماندگار و پایدار نیست (چیذری، ۱۳۹۳). شاید به دلیل وجود این تعارضات مداوم غیر قابل حل است که در ضرب‌المثل‌ها زندگی زناشویی بسیار پرمشقت و گاه تلخ به تصویر کشیده شده است. وجود برداشت منفعلانه نسبت به تعارضات زناشویی می‌تواند نشانگر فرض‌های منفی نسبت به رابطه زناشویی و تعارضات باشد. هم‌چنین کدهایی چون تقدیر دانستن ازدواج می‌تواند بیانگر غلبه منبع کنترل بیرونی در فرهنگ ایرانی و تقدیرگرایی (آزادارمکی^{۳۵}، ۱۳۷۶) باشد. این امر می‌تواند اثرات مخربی بر کیفیت روابط زناشویی و شیوه‌های حل تعارض زوجین داشته باشد.

جدول ۲ فرض‌ها و معیارهای مربوط به زن، شوهر و رابطه زناشویی را که از ضرب‌المثل‌ها استخراج شده‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۲: فرض‌ها و معیارهای استخراج شده بر اساس ضرب‌المثل‌ها

عامل شناختی	موضوع	توضیح
فرض	زن	<p>زن غیرقابل اعتماد است (از منظر مردان). اگر دختر خوب و با کمالات باشد از قوم و قبیله بیرون نمی‌رود. زن به شوهر نیاز دارد. زن مسئول امور داخل خانه است. زن اگر مورد حمایت شوهر نباشد مطرود جامعه می‌شود. زن در پیروی به درد نمی‌خورد و منفور است. ازدواج با زن بیوه خوب نیست. زن مطلقه معیوب است.</p>
	شوهر	<p>مرد غیرقابل اعتماد است (از منظر زنان). مرد به زن نیاز دارد. شوهر مسئول امور خارج از خانه است. مرد در صورت تمکن مالی تجدید فراش می‌کند. شوهر خوب باعث سلامتی و اعتبار اجتماعی زن می‌شود. شوهر پیر از بعضی جهات (تمکن مالی و رفتار ملایم با زن) بهتر از شوهر جوان است. مرد مطلقه معیوب است. مرد بیوه قدر همسر را می‌داند.</p>
	خانواده سببی	<p>خانواده سببی کنایه زن و بدخواه‌اند. خانواده سببی عروس یا داماد را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند. خانواده سببی عروس یا داماد را خودی نمی‌دانند.</p>
رابطه زناشویی و ازدواج		<p>کیفیت رابطه زناشویی نقش مهمی در همه ابعاد زندگی افراد ایفا می‌کند. زندگی متأهلی دشوار است. رابطه زناشویی خیلی زود سرد و خسته‌کننده می‌شود. اختلافات و درگیری زوجین کاملاً طبیعی و غیرقابل اجتناب و غیر قابل حل است. ازدواج تحت تأثیر تقدیر است. عقد دخترعمو و پسرعمو در آسمان‌ها بسته شده است.</p>
معیار	زن	<p>زن باید زیبا باشد و به ظاهرش رسیدگی کند. زن باید جوان باشد. زن باید تمیز و باسلیقه باشد. زن باید عاقل باشد. زن باید سرسنگین باشد. زن باید هنگام ازدواج پاکره باشد. زن باید دارای جهیزیه باشد. زن باید اصیل و نجیب باشد. زن باید دارای خانواده با وجهه اجتماعی خوب باشد. زن نباید غرغرو باشد. زن نباید به محافل رفت و آمد کند. زن نباید سلیطه یا جسور باشد. زن باید باب میل شوهر و منتخب او باشد. زن باید مطیع شوهر باشد. زن باید شوهرش را به هر کس دیگری ترجیح دهد. زن باید بارور (خصوصاً پسرزا) باشد. زن باید مراقب و دلسوز نسبت به اموال شوهر باشد. زن باید مرد را به کمال و رشد برساند. زن باید در صورت نیاز مشاور خوب شوهر باشد.</p>

ادامه جدول ۲

شوهر نباید رفتارهای زنانه و بچگانه داشته باشد. شوهر باید پول داشته باشد. شوهر باید دست و دل باز باشد. شوهر باید سالار خانه و مسلط بر زن باشد. شوهر باید زن را تأدیب کند. شوهر نباید زن را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل کند. شوهر نباید به اموال زنش چشم داشته باشد یا از آن استفاده کند.	شوهر	
-	اقوام سببی	
-	رابطه	

نگاه اجمالی به جدول ۲ نشان می‌دهد که معیارهای موجود درباره زن به مراتب بیشتر از شوهر است. از طرفی درباره رابطه زناشویی و اقوام سببی معیار خاصی استخراج نشده است. این مسئله می‌تواند این‌گونه تفسیر شود که ظاهراً اگر زن و مرد معیارهای لازم را دارا باشند، رابطه نیز به شکل خودکار از کیفیت خوبی برخوردار خواهد بود. این امر می‌تواند معرف نگاه خطی در روابط زوجین باشد که به رابطه بین همسران به عنوان وجودی منحصر به فرد توجه نمی‌شود که می‌تواند فارغ از ویژگی‌های هر یک از طرفین کیفیت خاصی دارا باشد. با این توصیف هنگام بروز مشکل در رابطه به نظر می‌رسد مسئولیت آن متوجه یکی از همسران است (نیکولز و شوارتز، ۱۳۹۶). برداشت دیگر این است که ظاهراً فرض‌های ثابت و نسبتاً منفی درباره رابطه با اقوام سببی یا زندگی زناشویی وجود دارد که افراد را به این نتیجه می‌رساند که نمی‌توان انتظار معیارهای خاصی از این روابط داشت (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی^{۳۶}، ۲۰۱۹).

باید توجه داشت که امروزه خانواده ایرانی در حال گذر از سنت به مدرنیته است (جنادله و رهنما^{۳۷}، ۱۳۹۳) و طبیعتاً مردان و زنان ایرانی امروز بر اساس پذیرش‌شان نسبت به ارزش‌های مدرن فردگرایانه، می‌توانند میزان گرایش متفاوتی نسبت به فرض‌ها و معیارهای ارائه‌شده درباره زندگی زناشویی و نقش‌های جنسیتی همسران دارا باشند. اما پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که فرض‌ها و معیارهای استخراج‌شده در این پژوهش، هنوز در بین افراد جامعه از شیوع قابل توجهی برخوردار است. به عنوان نمونه جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری^{۳۸} (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافته‌اند که مهم‌ترین معیار انتخاب همسر برای مردان جوان زیبایی دختر مورد نظر و برای زنان وضعیت اقتصادی طرف مقابل بوده است. اما برای بررسی میزان اعتقادات مردان و زنان امروزی نسبت به سایر معیارها و فرض‌های استخراج‌شده در این پژوهش لازم است پژوهش‌های جدیدی صورت گیرد.

محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش برای دسترسی به ضرب‌المثل‌های مرتبط از کتاب فرهنگ ضرب‌المثل‌ها به عنوان جامع‌ترین منبع در این زمینه استفاده شد. البته با این وجود نمی‌توان مدعی شد که منبع مذکور شامل تمام ضرب‌المثل‌های موجود در این زمینه است. از طرفی محققان فارغ از قدمت، تعداد تکرار، میزان استفاده از هر کدام از مثل‌ها در زندگی مردم یا متداول بودن آن‌ها، ضرب‌المثل‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌اند. طبیعتاً ضرب‌المثل‌هایی که برای مردم آشنا ترند، در محاورات بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، یا در اکثر اقوام ایرانی تکرار می‌شوند، بیشتر معرف نگرش ایرانیان نسبت به موضوعات مختلف هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Pfeifer, Miller, Hsiao
2. Cognitive
3. American Psychological Association
4. Dowd
5. Standard
6. Van de Vijver
7. Baucom, Epstein, LaTaillade
8. Gardner, Busby, Burr, Lyon
9. Assumption
10. Chia, Moore, Lam, Chuang, Cheng
11. Popular Culture
12. Zolfaghari
13. Aminolahi
14. Anvari
15. Mieder
16. Lee
17. Hejazi
18. Hosseini
19. Yazdani
20. Aminolroaya, Sharifi,, Elliasi
21. Sadeghimanesh, Alavi Moghaddam, Staji
22. Ghazikhani, Akbari, Ghanizadeh
23. Chizari
24. Shamlou
25. Sanjari
26. Braun
27. Cheraghi, Ebrahimi
28. Sorayya
29. Sariolghalam
30. Nichols, Schwartz
31. Movahed, Askari, Yadali
32. Khezeli, Salimi
33. Falicov
34. Roberto-Forman
35. Azad Armaki
36. Cheraghi, Mazaheri, Motabi, Panaghi, Sadeghi
37. Janadeleh, Rahnama
38. Jebraeili, Zadeh Mohammadi, Heidari

منابع

- آزادارمکی، ت. (۱۳۷۶). بررسی نظریه نوسازی: مطالعه‌ای موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران. فرهنگ، ۲۲ و ۲۳، ۱۹۱-۲۰۸.
- امین‌الرعایا، پ.، شریفی، ش.، و الیاسی، م. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳۴، ۱۲۰-۸۹.
- امین‌اللهی، ا. (۱۳۸۰). بررسی ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ عامه مردم و نمود آن در تصویرسازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- انوری، ح. (۱۳۸۴). فرهنگ امثال سخن. تهران: انتشارات سخن.
- ثریا، س. م. (۱۳۸۸). شخصیت در فرهنگ با خطوطی از چهره فرهنگ ایران. تهران: انتشارات دانژه.
- جبرائیلی، ه.؛ زاده‌محمدی، ع. و حیدری، م. (۱۳۹۲). تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹ (۲)، ۱۷۱-۱۵۵.
- جنادله، ع. و رهنما، م. (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی). فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۰ (۳۹)، ۲۹۶-۲۷۷.
- چراغی، م. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۷). تحلیل روان‌شناختی رابطه والد - فرزندی در ضرب‌المثل‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۴ (۵۵)، ۴۱۰-۳۸۳.
- چیدری، آ. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی بازنمود مفهوم خانواده در ضرب‌المثل‌ها و اصلاحات دو زبان فارسی و فرانسه از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

- حجازی، ب. (۱۳۸۵). چند کلمه از مادرشوهر: امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی. تهران: نشر فرزانه.
- حسینی، م. (۱۳۸۷). ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی. تهران: نشر چشمه.
- خزلی، م. و سلیمی، ع. (۱۳۹۵). زن در آینه ضرب‌المثل‌های کردی و عربی. نشریه ادبیات تطبیقی، ۸(۱۵)، ۱۳۵-۱۱۳.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: نشر علم.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۸۶). هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی. فصلنامه مطالعات ملی، ۸(۳۰)، ۲۷-۵۲.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۹۰). اقتدارگرایی/ایرانی در عهد قاجار. تهران: نشر فرزانه روز.
- سنجری، س. س. (۱۳۹۴). تحلیل ازدواج در شاهنامه فردوسی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۲۵(۷)، ۹۵-۱۰۵.
- شاملو، ن. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا. پژوهشنامه فرهنگ و ادب، ۴(۶)، ۲۳۳-۲۱۹.
- صادقی‌منش، ع.، علوی مقدم، م.، و استاجی، ا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی بر بنیاد دیدگاه‌های آدلر و برن (مطالعه موردی: امثال و حکم دهخدا و مجمع‌الامثال میدانی). نشریه ادبیات تطبیقی، ۲۰(۱۱)، ۱۴۴-۱۱۹.
- قاضی‌خانی، ب.، اکبری، ا.، و غنی‌زاده، ا. (۱۳۹۶). مقایسه جایگاه زن در فرهنگ ایران و ایتالیا از طریق بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و ایتالیایی. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۲(۲)، ۵۵۰-۵۲۵.
- موحد، م.، عسکری چاوردی، م. ج.، و یادعلی، ز. (۱۳۹۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس. زن در فرهنگ و هنر، ۲، ۱۲۰-۱۰۱.
- نیکولز، مایکل پی. و شوارتز، ریچارد سی. (۱۳۹۶). خانواده‌درمانی: مفاهیم و روش‌ها. ترجمه محسن دهقانی و همکاران. تهران: نشر دانژه.
- یزدانی، ز. (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی. تهران: فردوس.

- Aminolahi, O. (2001). *A study of proverbs in popular culture and its manifestation in illustration*. Master thesis in General Linguistics, Tarbiat Modares University [in Persian].
- Aminolroaya, P., Sharifi, S., Elliasi, M. (2014). Investigation of the attributes attributed to women in Persian proverbs. *Persian Language and Literature Research*, 34, 89-120 [in Persian].
- Anvari, H. (2003). *The great culture of speech*. Tehran: Sokhan publication [in Persian].
- Azad Armaki, T., (1997). Study of modernization theory: A study of cultural destinyism in Iran. *Culture*, 22(23), 191-208 [in Persian].
- Baucom, D. H., Epstein, N., & LaTaillade, J. J. (2002). Cognitive-behavioral couple therapy. In A. S. Gurman & N. S. Jacobson (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (3rd ed., pp. 26-58). New York: Guilford Press.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Cheraghi, M., Ebrahimi, M. (2018). Psychological analysis of parent-child relationship in Iranian proverbs: A qualitative research, *Journal of Family Research*. 14 (55), 383-410 [in Persian].
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Motabi, F., Panaghi, L., Sadeghi, M. S. (2019). Beyond the Couple: A Qualitative Analysis of Successful In law Relationships in Iran. *Family Process*, 58 (4), 936-953.
- Chia, R. C., Moore, J. L., Lam, K. N., Chuang, C. J., & Cheng, B. S. (1994). Cultural differences in gender role attitudes between Chinese and American students. *Sex Roles*, 31(1), 23-30.

- Chizari, A. (2014). *The study of the Concept of Family in the Persian and proverbs and Expression on the basis of the Critical Discourse Analysis*. Master thesis in General Linguistics, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Dowd, E. T. (2003). Cultural differences in cognitive therapy. *The Behavior Therapist*, 26(2), 247-249.
- Epstein, N. B., Baucom, D. H. (2002). *Enhanced Cognitive-Behavioral Therapy for Couples: A Contextual Approach*. Washington DC: American Psychological Association.
- Falicov, C. J. (2003). Culture in family therapy: New variations on a fundamental theme. In sexton, T. L., Weeks, G. R, Robbins, M. S. (Eds). *Handbook of Family Therapy: The Science and Practice of Working with Family and Couples*. (37-53).
- Gardner, B., Busby, D., Burr, B., & Lyon, S. (2011). Getting to the root of relationship attributions: family of origin perspective on self and partner views. *Contemporary Family Therapy*, 33, 253-272.
- Ghazikhani, B., Akbari, O., & Ghanizadeh, A. (2017). A comparison of woman status in Iranian and Italian cultures: A contrastive Analysis of Iranian and Italian Proverbs. *Research in contemporary word literature (Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji)*, 22(2), 525-550 [in Persian].
- Hejazi, B. (2005). *A few words from the mother-in-law (apothegm about women in Persian)*. Tehran: Farzan publication [in Persian].
- Hosseini, M. (2008). *The roots of misogyny in classical Persian literature*. Tehran: Cheshmeh Publication [in Persian].
- Janadeleh, A., & Rahnama, M. (2014). Change in conventional pattern of Iranian family (secondary analysis of national data). *Journal of Family Research*, 10(3), 277-296 [in Persian].
- Jebraeili, H., Zadeh Mohammadi, A., & Heydari, M. (2013). The Role of cultural values of Marriage and sex differences in Mate selection. *Journal of Family Research*, 9(2), 155-171 [in Persian].
- Khezeli, M., Salimi, A. (2017). Women as reflected in Kurdish and Arabic proverbs. *Journal of Comparative Literature*, 8(15), 113-135 [in Persian].
- Lee, J., F. K. (2015). "Chinese proverbs: How are women and men represented?". *Multidisciplinary Journal of Gender Studies*, 4(1), 559-585.
- Mieder, W. (2008). *Proverb speaks louder than words: Folk wisdom in art, culture, folklore, history, literature and mass media*. New York: Peter Lang Publications.
- Movahed, M., Askari Chavardi, M., Yadali, Z. (2012). A Sociological analysis of proverbs of women in Lamerd, Fars Province. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 2, 105-124 [in Persian].
- Nichols, M. P., Schwartz, R. C. (1984). *Family therapy: Concepts and methods*. New York: Gardner Press.
- Pfeifer, L., Miller, R. B., Li, T., Hsiao, Y. (2013). Perceived marital problems in taiwan. *Contemporary Family Therapy*. 35, 91-104.
- Roberto-Forman, L. (2008). Transgenerational Couple Therapy. In Gurman, A. S. (Eds). *Clinical Handbook of Couple Therapy*. (196-228). New York: Guilford Publication.
- Sadeghimanesh, A., Alavi Moghaddam, M., & Estaji, E. (2019). A comparative study of the status of woman in Persian and Arabic proverbs Based on psychological insights of Alfred Adler and Eric Berne (Case study: Proverbs of Dehkhoda's Amsal va hekam and Mayadani's Majmol Alamsal). *Journal of Comparative Literature*. 11(20), 119- 144 [in Persian].
- Sanjari, S. (2015). Marriage analysis in Shahnameh. *Journal woman and culture*.7 (25), 95-105 [In Persian].

- Sariolghalam, M. (2011). *Iranian authoritarianism in the Qajar era*. Tehran, Iran: Farzanrouz Publication [In Persian].
- Shamlou, N. (2008). An investigation and comparison of the images of man and woman In Dekhoda's Amsal-o-Hekam. *The Journal of Epic Literature*, 4(6), 219-233 [In Persian].
- Sorayya, S. M. (2009). *Personality in culture*. Tehran, Iran: Danzheh Publication [In Persian].
- Van de Vijver, F.J.R. (2007). Cultural and gender differences in gender-role beliefs, sharing household task and child-care responsibilities, and well-being among immigrants and majority members in the Netherlands. *Sex Roles*, 57, 813-824.
- Yazdani, Z. (1999). *Woman in Persian poetry*. Tehran: Ferdous Publication [in Persian].
- Zolfaghari, H. (2007). Iranian and religious Identity in Persian Proverbs. *National Studies*, 8(30), 27-52 [in Persian].
- Zolfaghari, H. (2009). *The Great Dictionary of Persian Proverbs*. Tehran: Elm Publication [in Persian].

